

بررسی تطبیقی جرم جادوگری در ادیان و نظام‌های باستانی (جرم انگاری و واکنش‌ها)

علی اصغر نجفی^{۱*}

حسین قدرتی^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۳/۳۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۲/۰۳

چکیده

بررسی تاریخی جرم جادوگری در دوران باستان، ریشه‌های تاریخی جرم انگاری این رفتار را نمایان می‌سازد. همچنین نوع کیفر و بازخورد آن در جوامع، مسولیت‌ها و آیین دادرسی حاکم در ادیان و نظام‌های باستانی را مشخص می‌نماید. ضمن شناخت زمینه‌های اجتماعی جرم، علل عدم استمرار آن در طول تاریخ آشکار می‌گردد. در این تحقیق با مطالعه قانون‌نامه‌های عهد باستان و بررسی مواد قانون‌نامه‌های مختلف، ضمن بیان مختصری از حقوق جزایی حاکم در آن دوران، در خصوص جرم جادوگری به صورت متمرکز، واکنش‌های ادیان و نظام‌های باستانی و چرایی و چگونگی جرم انگاری آن بررسی می‌شود. ادیان و نظام‌های باستانی مورد تحقیق شامل قانون‌های منتسب به نظام‌های باستانی بین‌النهرین، ایران باستان، مصر، روم، یونان، یهود و مانوی هند می‌باشد. استفاده غیر اجتماعی از جادو در دوران باستان محکوم و از نظر ادیان و اقوام مختلف باستان ممنوع و کیفر مرگ برای آن لحاظ گردیده است. علی‌رغم عدم بیان مجازات جرم جادوگری در برخی قانون‌نامه‌ها با این حال در آن عصر مجازات مرگ برای جادوگران قابل تصور می‌باشد. اغلب به دلیل ناشناس بودن علوم و پدیده‌های اطراف و ایجاد وحشت در بین مردم و گاهاً به واسطه اعمال جادوگران که به نوعی نشانه بی‌ایمانی، بی‌تقوایی و اهانت به مقدسات عنوان شده به مجازات این جرم محکوم می‌شدند.

واژگان کلیدی: جادو، جادوگری، ادیان، نظام‌های باستان، اوردالی



مقدمه:

سابقه جادو و جادوگری به سابقه‌ی عمر بشریت است. در تعریف فرهنگ شناختی آن، جادو چیزی جز تلاش بیهوده انسان بدوی و ناآگاه برای توضیح پدیده‌های اطراف خودش نمی‌باشد. به نحوی که جای خالی بی‌اطلاعی از علوم تجربی را با شمایل مکانیزمی خیالی و ساختگی خود پر می‌کند. همچنین در تعریف روان شناختی آن جادو ابزاری ناخودآگاه برای کنترل احساسات شدیدی از قبیل ترس و عشق و احترام و غم می‌باشد. تقریباً تاریخ باستان از ابتدای شروع نوشتن و ثبت تاریخ و وقایع توسط بشر و گسترش آن تا تاریخ پس از کلاسیک را شامل می‌شود. دامنه تاریخ ثبت شده تقریباً ۵۰۰۰ سال است که با خط میخی سومری آغاز شده و قدیمی‌ترین متون منسجم متعلق به حدود ۲۶۰۰ سال قبل از میلاد است. تاریخ باستان تمام سرزمین‌ها و کشورهای دارای اسکان بشر را در دوره ۳۰۰۰ قبل از میلاد - ۵۰۰ میلادی در بر می‌گیرد. اصطلاح گسترده «تاریخ باستان» را نباید با «باستان کلاسیک» اشتباه گرفت.

جادوگری مجموعه‌ای از روش‌ها، باورها و اعمالی است که به منظور کنترل اوضاع طبیعی در جهت رسیدن به هدفی مشخص که این هدف می‌تواند خوب یا بد باشد، توسط گروه یا افرادی خاص انجام می‌پذیرد. کلمه جادو در زبان فارسی میانه (پهلوی) جادوج^۱ و کلمه جادو به شخص جادوگر اطلاق می‌شود. کتاب ششم دین کرد که با زبان فارسی میانه نوشته شده است، جادوگری را این‌گونه تعریف می‌نماید: «برخورداری از خوی پنهان و خویشتن را جدا از آنچه هست نمودن». در انگلیسی جادو مجیک^۲ نامیده می‌شود که در واقع از کلمه‌ی مگیوس^۳ به معنای مغ (روحانی ایرانی) گرفته شده است. جادو به معنای غربی آن مربوط به قرون پایانی عهد باستان می‌باشد، در زمانی که تفاوت آن چنانی میان جادو و مناسک مذهبی وجود نداشته، دین و جادو در معنای مترادفی به کار برده می‌شود و مراسمات و مناسک مذهبی مغ‌های زرتشتی به واسطه دشمنی غرب با ایران باستان و ترس از اندیشه‌های بیگانه، تاریک و خطرناک قلمداد شده است. به مرور این روحانیون زرتشتی به تعالیم مناسک مذهبی در غرب می‌پردازند که با مذهب رسمی غرب علی‌الخصوص روم باستان در تعارض بوده و عمل آنان پلید و شر و در شرایط نسبتاً خوب نادرست تلقی می‌گردد. در عربی نیز به جادو سحر و جادوگر را ساحر می‌نامند.

در دوران باستان جادو از عوامل اهریمنی انسان دانسته می‌شود و به این جهت اقدام به آن و کسب لقب جادوگر با مجازات و عقوبت خاصی همراه می‌شود. از جمله آیین‌های مجازات یک جادوگر در عهد باستان

^۱jadug
^۲magic
^۳maguis



مقلو یا سوزان است. ادله اثبات جرم در دوران باستان اغلب اقرار و شهادت هست و به ندرت ادله کتبی در این دوران به چشم می‌آید، در خصوص جادوگری به دلیل نبود دلایل کافی معمولاً اثبات جرم از طریق اوردالی صورت می‌گرفته، و گاهاً ترس و وحشت مردم از جادوگران چنان غالب می‌گردید که حتی بدون محاکمه و از روی گفته‌های دیگران فرد را به قتل می‌رساندند.

جادو در عصر باستان هم در سوی خیر و هم شر وجود داشته است. در کنار جادوگران اهریمنی که در کتاب‌های مذهبی و قانون نامه‌ها از آن یاد شده است دسته‌ای دیگر از منجمان و پزشکان و ستاره شناسان هم به عنوان جادوگر شناخته می‌شدند. افرادی که بر علوم ناشناخته و پنهان آن دوران مسلط بوده و با قدرت جادویی خود به درمان و بهبود وضعیت مردم می‌پرداختند. به نوعی می‌توان جادوی سفید یا سپید را در برابر جادوی سیاه (خیر در مقابل شر) بیان نمود. افرادی که با علم به خاصیت گیاهان آن‌ها را با هم آمیخته و معجون‌های شفا بخش می‌ساختند و جادو با قدرت و درمان همراه می‌شود. این موضوع در بررسی آیین‌ها و فرهنگ ایرانیان به خوبی قابل مشاهده است. در افسانه‌ها و داستان‌های ایرانی همچون داستان سیمرغ و زال، که سیمرغ جادوگری سپید می‌باشد. همچنین در متون باستانی مشاهده می‌شود که زرتشت خود به فنون جادوگری مسلط بوده و آنچه در دوران باستان موجب کيفر و عقوبتی سخت و شدید بوده جادوی سیاه می‌باشد.

تاریخ نگاران شروع جادوگری را از بین‌النهرین و سومری‌ها می‌دانند و در ایران نیز طبق اسناد تاریخی در دوران هخامنشیان رواج داشته است. نظام‌های باستان گاهاً برخوردهای متفاوت با این موضوع داشته‌اند و اغلب مجازاتی شدید برای آن در نظر گرفته شده است. در ادامه به بررسی این موضوع و جرم انگاری آن در دوران و قانون نامه‌های مختلف عصر باستان می‌پردازیم. در دوران باستان عقوبت خاصی در انتظار کسانی بوده که جادوگر لقب می‌گرفتند. به خصوص نزد زرتشتیان که جادوگری را دومین گناه پس از قتل مستوجب مرگ می‌دانستند.

خود زرتشت بر جادوگری مسلط بوده و در مبارزه با جادوگر چیره دست زمان خود اورسهب، سرشت ایزدی زرتشت بر جادوگری آن جادوگر چیره می‌شود، زرتشتیان این کار زرتشت را جادوی سفید و همراهی اهورامزدا با او و کار اورسهب را جادوی سیاه و همراهی با اهرمین می‌دانند. از جادوگران ایران باستان می‌

^۱ مراسم اوردالی که به انگلیسی Ordeal خوانده می‌شود در زمان باستان مراسم گوناگون بر حسب کشور مقصد بوده که بر اساس آن متهم می‌بایست آزمایش‌های بسیار سخت و دور از ذهنی برای اثبات بی‌گناهی خود به عمل می‌آورده نظیر رفتن به درون آتش، افتادن در رودخانه، گذاشتن آهن گداخته بر روی دست.



توان به اخت^۱ جادو اشاره نمود، جادوی سیاه که بر تختی از لاشه و جمجمه و اسکلت و بالشت‌هایی از پاره‌های گوشت انسان و حیوان نشسته و ۹۰۰ موبد زرتشتی را کشته و با اهریمن گفتگو دارد. داستان اخت جادو در کتاب کهن ماتیکان یوشت^۲ آفریان آمده است و در نهایت به دست پسری به نام یوشت^۳ گشته می‌شود. اخت جادو از بی رحم‌ترین جادوگرانی است که در طول تاریخ نام او به دست ما رسیده است. مرمزترین جادوگران هوشثانه^۴ است. جادوگری غیب‌گو و فیلسوف و دانشمند که در یونان باستان به او اوستن خوانده می‌شود و همراه خشایار شاه به یونان رفت و آنجا ماندگار گردید. پلینی از مورخان روم باستان او را نخستین نویسنده جادو قلمداد نموده است. فیساغورث، امیداکلس، دموکریت، افلاطون از شاگردان هوشثانه ذکر شده‌اند. جادوی او بر آب، ارواح، هوا، ستاره‌ها تاثیر گذاشته و خود را غیب‌گویی می‌دانسته که می‌تواند با ارواح و جنازه‌ها صحبت کند. پلینی در کتاب تاریخ طبیعی خود او را پایمال‌کننده قوانین مرسوم و مخترع وحشی‌گری و هیولا صفتی می‌داند که اعضای یکدیگر را هم بخورند. اگر چه کتاب‌های هوشثانه به دست ما نرسیده است بلوس مندس^۵ فیلسوف یونانی از او نقل می‌کند که طبیعت در طبعیت افزون می‌شود، طبیعت در طبیعت فاتح می‌شود، طبیعت بر طبیعت چیره می‌شود.

۱- قانون نامه‌های منتسب به نظام‌های باستانی بین‌النهرین

بین‌النهرین به عنوان مهد قدیمی‌ترین تمدن‌های بشر شناخته می‌شود. در بررسی جرم جادوگری در عهد باستان ابتدا قانون نامه‌های منتسب به نظام‌های باستانی بین‌النهرین را بررسی می‌نمایم.

۱-۱- قانون نامه اورنمو

قانون نامه اورنمو توسط پادشاه شهر اور، اورنما، در ۲۱۱۲ تا ۲۰۹۵ ق.م در ۱ مقدمه و ۳۷ ماده تدوین گردید. شهر اور از تمدن سومری و واقع در بین‌النهرین در جنوب کشور عراق فعلی می‌باشد. شهرهای سومر هر یک دارای دولتی مستقل بودند و از یک حکومت مرکزی اطاعت نمی‌کردند. از جمله نکات این قانون نامه توجه به عدالت ترمیمی در جبران خسارت برای صدمات مادون نفس، نظام قانونی طبقاتی شامل افراد

^۱ اخت (فارسی میانه *axt*): به معنای ناپاک و درد و رنج است. گویا وی از روحانیون مخالف دین زرتشتی بوده و به همین دلیل در ادبیات پهلوی دارای لقب جادوگر است. از او در آبان یشت با صفت بداندیش کوردل یاد شده است.

^۲ Matikan-i Yosht Fryan

^۳ یوشت (فارسی میانه *yōšt* - اوستا *yōšaa*) صفت عالی از *yavan* به معنی جوان‌ترین است.

^۴ در برخی موارد هم *Osthanes*

^۵ Bolus of Mendes

^۶ Ur-Nammu



آزاد و برده‌ها، نبود قاعده‌ی کلی در قانون‌نامه، اصل نابرابری کیفری، اصل مجرمیت، اصل قیاس کیفری و مجازات‌های تکمیلی اشاره نمود (نجفی ابرندآبادی، بادامچی، ۱۳۸۳: ۱۱۵). مجازات‌های سالب حیات، مالی و سالب آزادی در این قانون‌نامه در نظر گرفته شده است. در ماده ۱۳ این قانون‌نامه جادوگری جرم انگاری شده و مطابق این ماده اگر کسی متهم به جادوگری شود، مراسم اوردالی با آب را باید تحمل کند اگر بیگناهی اثبات شد متهم کننده او باید سه شکل بپردازد.

از این ماده می‌توان نبود ادله کافی برای تفهیم اتهام، اصل بر مجرمیت و در نهایت پرداخت غرامت توسط شخص افترا زننده را استنباط نمود. مجازات هوشمندانه اوردالی اجرا شده، به نوعی در کنار مجازات، دلیل اثبات هم در نظر گرفته می‌شد و در صورتی که با موفقیت از این آزمون عبور می‌کرد دلیلی بر بی‌گناهی فرد بود. البته همان گونه که قبلاً توضیح دادیم مجازات سنگین این جرم متوجه جادوی سیاه یا اهریمنی می‌باشد و وجود درمانگران و منجمان و جادوگران سپید که در جهت رفع جادو گام بر می‌داشتند در این دوره خود موید این موضوع می‌باشد. اختیار نوع اجرای اوردالی با شخص پادشاه است که وظیفه قضاوت در این امور بر عهده او می‌باشد.

۱-۲- قانون نامه لپیست ایشتار:

مجموعه لپیست ایشتار با خط میخی و به زبان سومری بر روی لوح گلی نوشته شده‌اند، اگر چه این لوح در سال ۱۹۴۷ در نزدیکی شهر بغداد کشف شد اما متعلق به دوران لپیست ایشتار، شاه ایسین در بین سال‌های ۱۹۳۴ الی ۱۹۲۴ ق.م تقریباً ۱۵۰ سال قبل از حمورابی می‌باشند. لپیست ایشتار توسط فرمان روایی به همین نام وضع شده که در شهر ایسین و بین النهرین سفلی فرمان روایی می‌کرد. قانون شامل مقدمه، موخره و ۵۰ ماده است.

وجود نظام طبقاتی، عدالت ترمیمی، توجه به شخصیت معنوی افراد و پر اهمیت شناختن حرفه‌ی کشاورزی در این قانون مشاهده می‌گردد. کیفرها به جز مجازات جرم قتل که از جمله مجازات‌های بدنی و سالب حیات است، اغلب مالی و در مواردی محروم شدن از حق مشاهده می‌شود. عدم انعکاس جرم جادوگری در این قانون نامه نه به خاطر جرم انگاری نمودن آن بلکه به دلیل بدیهی بودن آن در عصر لپیست ایشتار می‌باشد. بدین گونه که اغلب جرم‌های قانون نامه موارد کیس به کیسی بوده که در جامعه به وقوع می‌پیوسته است و ضرورت آگاه کردن مردم از آن جرم باعث درج آن در قانون نامه شده است و مواردی که جز

^۱ (شیکل) هر شکل برابر ۸,۳۳ گرم می‌باشد. Shekel از واحدهای پولی بین النهرین باستان بوده است.



بدیهیات بوده نیازی به درج در قانون نامه نبوده، این موضوع را می‌توان با در نظر گرفتن قانون نامه‌های دوران قبل‌تر، هم دوره و بعد از این قانون نامه مشاهده نمود که به وضوح در قانون نامه اورنمو و حمورابی جرم نگاری جادوگری مشاهده می‌گردد. از وحدت گرفتن بین این دوران و قانون نامه‌های هم عصر می‌توان وجود مجازات سلب حیات را برای جرم جادوگری در نظر گرفت. هر چند ناقص بودن آنچه از این دوران به عنوان قانون به دست ما رسیده احتمال از بین رفتن و محو شدن قانون مربوط به جادو را نیز زنده نگه می‌دارد.

۱-۳- قانون نامه اشوننا:

در سال ۱۹۴۸ دولت عراق اعلام نمود که دو لوح قانونی به زبان بابلی (اکدی) یافته، که مشخص شد متعلق به دوران پادشاهی اشوننا^۱ و به نام ددوشا است، پادشاهی معاصر با اوایل دوران حکومت حمورابی لذا قدمت آن در حدود ۱۷۷۰ ق.م برآورد شد. حکومت اشوننا از شمال به آشور و از جنوب به بابل متصل می‌باشد. همانند دیگر نظام‌های حکومتی آن دوران وجود نظام طبقاتی، بیان کیس به کیس مسائل حقوقی در قانون نامه، توجه به عدالت ترمیمی و عدم توجه به عنصر معنوی جرم و اماره ید در آن دیده می‌شود. ضمانت اجراهای جزای نقدی، پرداخت غرامت و اعدام در قانون نامه در نظر گرفته شده است. همانند قانون نامه لیبیت ایشتار در این قانون نامه با وجود بیان ۶۰ ماده اشاره‌ای به جرم جادوگری نشده است، که همانطور که برای قانون نامه لیبیت ایشتار بیان نمودیم، این نه به منزله‌ی جرم نبودن جادوگری که علیه امنیت جامعه آن دوران می‌باشد، بلکه از بدیهیات آن دوره بوده است که در قانون نامه‌ای کیس به کیس نیازی به باز گو کردن دوباره آن نبوده و مجازات سلب حیات با توجه به قوانین هم دوره و قبل و بعد آن قابل تصور می‌باشد.

۱-۴- قانون نامه حمورابی:

یکی از با ارزش‌ترین منابع قانونی باستانی در دنیا و علی‌الخصوص بین‌النهرین، قانون نامه‌ی حورابی^۲ می‌باشد. سنگ نوشته‌ای از جنس سنگ دیوریت به طول ۲,۵ متر و عرض ۱,۵ متر، که حدود ۹ قرن پس از مرگ حمورابی به عنوان غنیمت به شهر شوش پایتخت عیلامیان منتقل می‌شود. قانون نامه‌ای مشتمل بر ۲۸۲ ماده که ۳۵ ماده آن محو گردیده است. این قانون نامه به تعبیر کنونی قوانین مدنی، تجاری، کیفری را بیان می‌

^۱Eshnunna
^۲Hammurabi



نماید. همچنین به خط میخی و زبان اکدی نوشته شده و مربوط به ۱۷۹۲ الی ۱۷۵۰ ق.م است (بادامچی، ۱۳۹۲: ۳۷). حجم بالای مواد و مجازات‌های سنگین نشان از پیچیدگی جامعه آن دوران و خشونت بالا در آن می باشد. مبتنی بر پرونده بوده ولی سعی در آن شده که جزئیات به شکل حکمی کلی بیان شود. در فرض نوشتن این قانون نامه، منبع قانون فرمان الهی می باشد (حیدری، خاکسار آرانی، ۱۳۹۳: ۱۱۷).

از جمله اوصاف نظام کیفری دوران حمورابی، نابرابری کیفری، وجود طبقات، توجه به تمامیت معنوی افراد، مسئولیت کیفری نیابتی (ناشی از فعل غیر)، مسئولیت دولت در راستای حمایت از بزه دیده، توجه به اقدامات تامینی (به مانند داغ گذاشتن بر پیشانی یا تراشیدن سر) می باشد.

در ماده ۲ این قانون نامه در خصوص افترای به جادوگری این گونه بیان شده است: "اگر مردی مرد دیگری را به جادوگری متهم کند اما نتواند ادله بر علیه او ارایه کند، آن کس به جادوگری متهم شده است باید برای اثبات به رودخانه مقدس برود و خود را به رودخانه بیندازد، اگر رودخانه او را غرق کند، مالکیت تمامی املاک از آن اتهام زننده خواهد بود، اگر رودخانه مقدس آن مرد را تطهیر سازد و او زنده بماند، اتهام زننده به جادوگری باید کشته شود. تمامی دارایی شخص اتهام زننده باید از آن کس شود که به رودخانه مقدس سپرده شده" (ازدجینی، ۱۳: ۱۳۹۵).

در این ماده، توجه به تمامیت معنوی در جرم افترای به جادوگری به خوبی نمایان و مجازات سختی در برابر افترا زننده خواهد بود. از نکات قابل تعامل در این ماده که می توان به آن دوران و حتی قانون نامه‌های هم دوره یا به فاصله زمانی اندک از این قانون نامه تسری بخشید، فرض بر مجرمیت در جرم جادوگری می باشد، که با توجه به ماده به خوبی روشن است که در نبود ادله کافی و تنها با ایراد اتهام به فرد، او ناچار به اثبات بی گناهی خود و در صورت نبود دلیل، اجرای اوردالی می باشد. اوردالی که ممکن است فرد را به کام مرگ بکشاند.

نکته قابل توجه دیگر که قابل تسری به آن دوران می باشد، به دلیل مجازات سنگین و سخت افترا زننده به جادوگری فرد و فرض بر مجرمیت فرد، گواه این موضوع می باشد که در احتمال رو به یقین مجازات جادوگری در این دوران‌ها مرگ بوده است و چون این مجازات از بدیهیات عصر قانون حمورابی می باشد، بدان اشاره‌ی در قانون نامه نشده است.

^۱Akkadian language



۱-۵- قانون آشور

مفاد قانونی یافت شده از آشور^۱ متعلق به آشور میانه می‌باشد، که در سال‌های ۱۴۰۰ تا ۹۱۲ ق.م در قسمت‌های زیادی از خاور میانه کنونی حکومت می‌کردند. این قوانین بر روی الواح گلی آذر ۱۱ قرن پیش از میلاد بوده که به نوعی کپی از قوانین قبلی مرتبط با قرن ۱۴ پیش از میلاد می‌باشد. از جمله ویژگی‌های این قانون نامه وجود نظام طبقاتی، فرض بر مجرمیت و تبعیض جنسیتی است، به گونه‌ای که جایگاه زنان در این قانون نامه و نظام قضایی بسیار پایین تر از قوانین و نظام‌های همسایه می‌باشد.

کیفر در این نظام حکومتی اعدام، قطع عضو، اوردالی، ضربات شلاق و پرداخت غرامت بوده و خشونت در کیفر دهی به خوبی نمایان است. از سوی دیگر بر خلاف قانون نامه‌های دیگر عصر باستان بین‌النهرین، تجاوز، دزدی و تعرض الزاماً مجازات شدیدی در پی ندارد. مثلاً در باب تجاوز مرد مجرد، در شرایط خاص ازدواج با دختر و یا پرداخت ۳ مینای نقره به پدر دختر و اگر مرد متاهل باشد همسر او به عنوان کنیز به پدر دختر داده می‌شود. اگر چه قانون آشوری تا حدودی بر پایه‌ی قانون حمورابی بنا شده است، اما انسجام و نظم آن قانون نامه را ندارد و مجازات‌های خشن تر قطع عضو و شلاق به کرات در آن استفاده شده که می‌تواند نوید یک جامعه خشن باشد.

در خصوص جادوگری در MALA (شامل ۵۹ ماده) در ماده ۴۷ منابع مختلف این چنین بیان شده است: اگر یک مرد یا یک زن مرتکب جادوگری شده و وسایل و تدارکات جادوگری در دست آن مرد یا زن دیده شده باشد، اگر کسی اتهام جادوگری به آنان وارد نموده دلیل و مدرک نیز ارائه دهد، آنکس که مرتکب جادوگری شده است، به مرگ محکوم خواهد شد.

اما متن کامل این ماده با توجه به اصل ماده به این صورت است که: مرد یا زنی که در حال جادوگری کشف شوند، و باید آن‌ها، اتهامات خود را اثبات نمایند و کشف کنند که آن‌ها مجرم هستند، آن‌ها بایست جادوگر را بکشند. مردی که از یک شاهد عینی جادوگری شنید که شاهد جادوگری بوده است و او گفت خودم آن را دیدم، شاهدهی که شنیده بایست برود به شاه اطلاع دهد. اگر شاهد عینی آنچه را که او (شاهد شنیده‌ها) بایست به پادشاه گزارش کند انکار کند، قبل از گاو الهی پسر خدای خورشید اعلام کند او مطمئناً به من گفت و بنابراین او واضح و روشن است. در مورد شاهد عینی که (از دیدن عمل به رفیق خود) صحبت کرده و سپس انکار کرده است (یا آن را به پادشاه)، پادشاه باید وی را به صلاح خود بازجویی کند، تا اهداف

^۱Assyria

^۲MAL (A-O)



او را تعیین کند. یک عزایم خوان بایست از مرد بخواهد که برای تطهیر اظهاراتی را بیان کند، و سپس او خودش (عزایم خوان) باید به شرح زیر بگوید:

هیچ کس از سوگندی که به پادشاه و پسر او قسم داده اید آزاد نخواهد کرد. شما به مفاد مقرراتی که با پادشاه و پسرش قسم داده اید مقید هستید.

در توضیح این ماده می‌توان به چند نکته توجه داشت:

نخست این که در ادامه دیگر نظام‌های حقوقی و قانون نامه‌های عصر باستان در این قانون نامه هم مجازات جادوگری چیزی جز کیفر اعدام نمی‌باشد. همچنین مسولیت کیفری برای کسی که از جرم جادوگری آگاه است در نظر گرفته شده و او ملزم به گزارش به پادشاه می‌باشد. ادله اثبات جادوگری شهادت شاهد جرم و شهادت بر شهادت می‌باشد، به نوعی شهادت بر شهادت نیز در این جرم پذیرفته شده است. فرض مجرمیت در خصوص جرم جادوگری وجود ندارد و اثبات جرم جادوگری با کسانی هست که این اتهام را بر وی وارد می‌سازند. در صدر ماده پذیرفته شده که اگر کسی جادوگر را در حین ارتکاب جرم دید و بر او ثابت باشد که به جادو می‌پردازد و می‌تواند در نزد پادشاه آن را اثبات نماید بر او واجب شده که جادوگر را بکشد. استفاده از سوگند در این دوران به خدایان آن دوران قابل توجه می‌باشد. وجود عزایم خوان، کسی که مدعی بوده ارواح خبیثه را از شخص یا اماکن بواسطه خواندن عزایم اخراج می‌نماید، به نوعی جادوگری که در خدمت مردم و پادشاه بوده و جادوی سیاه را بر طرف می‌نماید، نشانگر این موضوع هست که مجازات در نظر گرفته شده مربوط به جادوگران سیاه و مخرب می‌باشد. در انتهای ماده با مقید دانستن مردم به مفاد مقررات، اشاره به حاکمیت قانون و الزام به رعایت قانون و دشمنی جادوگران با پادشاه دارد و قدرت برتر را از آن پادشاه می‌داند. با وجود عدم انسجام کافی بین مواد نسبت به قانون حمورابی، وجود جامعه‌ای پیچیده و خشن در دوران آشور به خوبی مشاهد می‌گردد.

۱-۶- هیتی‌ها:

هیتی‌ها^۱ بین سده‌ای بیستم تا دوازدهم پیش از میلاد در ترکیه فعلی زندگی می‌کردند. قوانین هیتی‌ها دارای ۲ روایت می‌باشد، روایت قدیم مربوط به ۱۶۵۰ تا ۱۵۰۰ ق.م و روایت جدید مربوط به سال‌های ۱۵۰۰ تا ۱۱۸۰ ق.م که در دو لوح گلی از خاک رس پیدا شده است. این قانون نامه مجموعاً شامل ۲۰۰ ماده است که مواد ۱۱۴ تا ۱۱۸ و ۱۳۲ تا ۱۴۱ آن مخدوش و غیر قابل دسترس می‌باشد. نسبت به حمورابی ملایم

^۱Hittites



تر و ۱ قرن با آن فاصله دارد. از ویژگی‌های این قانون نامه علاوه بر ویژگی‌های قانون نامه‌های باستان که در قانون نامه‌های پیش تر بیان نمودیم می‌توان به قرار دادن ارزش نصف انسان آزاد به برده‌ها (بهبزادی، ۱۳۷۸: ۱۲)، جرم نگاری رابطه جنسی با حیوانات، جرم نگاری زنای با محارم، وجود نهاد عفو توسط پادشاه، قتل در فراش و در نظر گرفتن مجازات تبعی در آن قانون نامه را نام برد. از جمله مجازات‌های تبعی عدم دیدار با پادشاه تا آخر عمر و عدم توانایی در روحانی شدن فرد می‌باشد.

جرایم در این قانون نامه به دو دسته، جرایم در نظم عمومی و جرایم نسبت به افراد تقسیم می‌شوند، که جرم جادوگری از جمله جرایم علیه نظم عمومی دانسته و مجازات مرگ برای آن در نظر گرفته می‌شود. مواد ۴۲ مکرر، ۱۱۱، ۱۷۰ به نوعی به جرم جادوگری در این قانون نامه می‌پردازند. در ماده ۴۲ مکرر "اگر کسی که مراسم تطهیر و تدفین را انجام می‌دهد، بقایای جسد سوزانده شده را عمداً در منزل دیگری نگهداری کند این عمل شکل دیگری از جادوگری تلقی شده و پرونده به دادگاه شاهی ارجاع داده می‌شود." از نکات مهم این ماده توجه به عمدی بودن رفتار و اختصاص جرم به افرادی خاص می‌باشد. فرض مجرمیت نیز با توجه به عمدی بودن رفتار مفروض در نظر گرفته شده است و رفتار را به نوعی جادوگری تلقی نموده‌اند. در ماده ۱۱۱ "هر کسی که خاک رس به منظور سحر و جادو استفاده کند، پرونده‌اش به محکمه‌ی پادشاهی ارجاع داده می‌شود." به نوعی شروع به جرم جادوگری در این ماده جرم انگاری شده است، این توجه اهمیت جرم جادوگری در آن دوران را نشان می‌دهد. همچنین در ماده ۱۷۰ چنین بیان شده است که "اگر مردی ماری را بکشد و در همان حال نام دیگری را ببرد باید ۴۰ شکل نقره بپردازد و اگر مرتکب برده باشد کشته می‌شود."

تصور به ایجاد سحر و جادو و برانگیختن نیروهای بد و خبیث در این ماده به چشم می‌آید. اعتقاد به بلقوه بودن سحر و جادو در افراد و شیطانی بودن مار در این دوران علت جرم انگاری این رفتار و توجه به این ماده بوده است. اگر چه به مجازات جادوگری سیاه به وضوح در این مواد اشاره نشده است، اما از نگاه ویژه به این جرم و مصادیق گفته شده به خوبی مشخص است که در ادامه روند کیفری باستانی سابق و عرف آن دوره کیفر جادوگر مرگ بوده است. سیستم قضایی هیتی‌ها متشکل از منصبان شاه که مشایخ یا شورای دولتی نامیده می‌شوند تشکیل شده، و به رسیدگی به جرایم در مناطق مختلف می‌پرداختند، در صورت پیچیدگی پرونده، نزد پادشاه به آن رسیدگی می‌شد. رسیدگی به جرم جادوگری در صلاحیت دادگاه شاه بوده و نشان از پیچیدگی این جرم در آن زمان دارد (Miregki, Meyer، ۲۰۲۲: ۰۰۰).



۲- جادوگری در عهد باستان ایران

حقوق ایران باستان به جهت ورود اسلام و استقبال فوق العاده از آن در ایران که به جای طبقاتی بودن جامعه به نهی امتیازات طبقاتی اشاره دارد، به فراموشی سپرده شد، اگر چه این حقوق مطمئناً از بسیاری از حقوق کهن ریشه‌دارتر و پر محتواتر بوده است. به این جهت برای درک بهتر جرم جادوگری در دوران باستان ابتدا به بیان جادوگری در دین زرتشت می‌پردازیم.

اگر چه زمان دقیق زندگی زرتشت مشخص نمی‌باشد، اما پژوهشگران زمان آن را حدود ۱۰۰۰ ق.م پیش بینی نموده‌اند. کتاب اوستا مهم‌ترین کتاب دینی زرتشتیان می‌باشد. جادوگری و احکام آن در کتاب‌های فقهی و حقوقی زرتشتیان به کرات آمده است. در کتاب دینکرد^۱ که در واقع دانشنامه مذهب زرتشت هم محسوب می‌شود، جادوگری را برخوردار از خوی پنهان و خویشتن را از آنچه هست جدا نمودن تعریف می‌نماید. همان گونه که پیش‌تر در باره شخص زرتشت توضیح دادیم ایشان خود بر علم جادوگری سفید چیره و زبان زد بوده‌اند.

در گزارش هیربدستان آمده است، غذا ندادن به جادوگر گناه نیست و اگر در نتیجه آن جادوگر از گرسنگی و تشنگی بمیرد، کیفر کسی که بدو غذا نداده، تنها یک سروش‌چرنام است، زیرا جادوگر سزاوار مرگ بوده است. از این روایت به خوبی می‌توان به مجازات جادوگری در دین زرتشت پی‌برد، که او را سازوار مرگ می‌دانند.

در کتاب روایت پهلوی بازمانده از دوران ساسانیان که شامل دستورات جمعی از موبدان دین زرتشت می‌باشد، دومین گناه مستوجب مرگ بعد از قتل عنوان شده است. در روایت آذر فرنبغ فرخزادان^۲، پرسش ۶۰ چنان آمده است، "اگر فردی زرتشتی ببیند که کسی جادوگری می‌کند، بر او واجب است که به دیگران بگوید و دیگران را از کردار وی آگاه سازد". به عبارتی در این روایت جادوگری فقط از باب فقهی و بیان واجباتی در دین زرتشت بیان شده و مجازاتی برای آن در نظر گرفته نشده است، شاید اگر انجام واجبات در دین زرتشت مجازاتی دنیای داشته باشد، آن مجازات برای فرد لحاظ می‌گردد.

به روایت اوستا اگر مزدا پرستان بالغ به درگاه ایزدان دعا نکنند تا جادوگرانی را که میانشان زندگی و تظاهر به دین داری می‌کنند، بدان‌ها نشان دهند، جرم جادوگری بر آن‌ها وارد خواهد شد (راشد محصل،

^۱Denkard

^۲ هیربدستان فصل ۲۰، بند های ۱-۲

^۳ نویسنده کتاب دین کرد



۱۳۷۰).^۱ توجه به سن بلوغ برای مسئولیت کیفری و جرم انگاری عدم دعا برای نمایان شدن جادوگران و اتخاذ مجازات جادوگری بر آن‌ها قابل توجه می‌باشد. در کتاب و نندیداد یا قانون ضد دیو، دستورات و قوانین برای مقابله با اهریمن و جادوگران آمده است. متهم نمودن زرتشت به جادوگری و محکوم شدن وی به اعدام خود موید این موضوع می‌باشد که قبل از زرتشت نیز در ایران جادوگری جرم انگاری شده و کیفر مرگ برای آن در نظر گرفته شده است.

۲-۱- عیلامیان:

عیلامیان در سال‌های ۳۲۰۰ ق.م تا ۵۳۹ ق.م در جنوب غربی ایران امروز می‌زیستند. در سال ۲۲۸۰ ق.م امور پایتخت سومریان را اشغال می‌کنند. البته استعداد اداره کردن مملکت را نداشته و بیشتر شبیه تاخت و تاز بوده و توانای حفظ ممالک فتح شده را نداشتند. قانون حمورابی را به عنوان غنیمت به شوش می‌آورند، و به نوعی تنها قانون نامه باقی مانده از این دوران قانون نامه حمورابی می‌باشد. اگر حفظ این قانون نامه و مخدوش نمودن بعضی از بندهای آن را دلالت بر پذیرش آن در این دوران بدانیم، مطابق آنچه در قانون نامه حمورابی پیش تر بیان شد سزای جادوگری مرگ خواهد بود.

۲-۲- مادها:

این تمدن مربوط به ۹۰۰ سال قبل از میلاد می‌باشد. در سال ۷۰۸ ق.م دیاکو قاضی یک روستا به خاطر دادگستر بودنش از سوی ۷ طایفه به عنوان رهبر انتخاب می‌شود، دستورهای حقوقی و قضایی بسیار انعطاف پذیر و محکم بوده است. سنگ نوشته یا لوح از ماده‌ها باقی نمانده و آنچه هست از کتیبه‌های بابلیان و مورخوان یونانی است. در خصوص نظام کیفری آنان و خصوصاً جادوگری اطلاعات دقیقی موجود نیست، اما وجود مغان (روحانیون دینی زرتشتی) در آن دوران نشان می‌دهد نفوذ زرتشتیت در امور قضایی و حقوقی بسیار بوده است.

۲-۳- هخامنشیان:

شاهنشاهی هخامنشی در ۵۵۰-۳۳۰ پیش از میلاد، معروف به امپراتوری پارس در ادبیات غربی، به دست کوروش بنا شد. نظام کیفری هخامنشیان به دلیل وجود فرهنگ‌ها و تمدن اقوام و دول مغلوب تحت

^۱ زند بهمن یسن، فصل ۸، بند ۴، به کوشش محمدتقی راشد محصل، تهران، ۱۳۷۰ ش.



حکومت مانند، بابل و آشوری از تنوع و پیچیدگی خاصی برخوردار می‌باشد. مقامات و مراجع مختلفی در طول و عرض هم در این نظام‌ها وجود دارند. پادشاه، قضات شاهی، ساتراپ‌ها (والیان) و محاکم محلی، مقامات و مراجع قضایی مطرح بوده‌اند. قضاوت در محاکم محلی بر اساس مذهب و آداب و رسوم محلی بوده و تا حدودی محترم بود که با نظر پادشاه، حکام و ساتراپ‌ها در تضاد نباشد، اگر چه تضاد فرهنگی و مذهبی باعث ایجاد آرا بعضاً متضاد و تنوع در آن می‌شود.

پادشاهان هخامنشی خود را تابع و مبلغ دین زرتشت می‌دانستند تا جایی که حتی کشور گشایی و توسعه قدرت خود را اراده‌ی اهورامزدا تلقی می‌نمودند. لذا اصول عمده اوستا در این دوران رایج و از منابع مهم و عمده به ویژه در روابط فردی، مبنای قضاوت بوده است. سوگند و گواهی ۲ دلیل عمده اثبات و اگر از طریق عادی و معمول پرونده‌ای قابل حل نبود، آوردالی به عنوان آزمایشی الهی استفاده می‌شود. اگر چه پس از فتح بابل، به دست کوروش کبیر، در زمینه حقوق عمومی نخستین اعلامیه حقوق بشر منتشر شد و در زمینه حقوق خصوصی هر قومی را به احکام ملت و مذهب خود محکوم کردند. و در زمینه حقوق قراردادها قانون شاهی مدون گردید، اما در خصوص حقوق کیفری قانون نامه‌ای در دست نیست و به نظر با توجه به احکام خاص مذهبی هر منطقه و آداب و رسوم خود محاکمه صورت می‌پذیرفت. در خصوص جادوگری با توجه به نبود قانون نامه‌ای از آن دوران و تعهد و علاقه هخامنشیان در ایران به استفاده از اوستا برای حل مسائل حقوقی می‌توان عقوبت مرگ را برای جادوگران تصور نمود.

۲-۴- اشکانیان:

اشکانیان در سال‌های ۲۴۷ تا ۲۲۴ ق.م، معروف به امپراتوری پارت‌ها در ادبیات غربی، در ایران حکومت می‌کردند. در این دوره نیز مشابه هخامنشیان سیاست آزادی مذهب تا جایی که به سلطنت شاه لطمه نزنند، وجود داشت. مذاهب مختلف در ممالک زیر بنای تشکیلات قضایی آن زمان محسوب می‌شوند. در سر زمین اصلی ایران نیز مذهب زرتشت رواج داشت و همین امر باعث می‌شود تا روحانیون و مغان که از طبقه ممتاز و ذی نفع آن دوران محسوب شوند و در امور قضایی مداخله داشته باشند. فرمان‌های شاه، دستورهای مذهبی و سنت و رسوم متداول در هر قوم پایه امور حقوقی قضاوت را تشکیل می‌دهد. مسئولیت تضامنی تمام اعضای خانواده در مسئولیت کیفری در مورد جزای نقدی یکی از اعضا، اتخاذ تصمیم نسبت به جرایم ارتكابی یک عضو خانواده در محدوده‌ی خود خانواده، شدت مجازات زن نسبت به شوهر از جمله ویژگی‌های نظام قضایی دوران اشکانیان محسوب می‌شود. به نظر می‌رسد در بسیاری از امور به استثنای



موارد خاص، روند کلی و روش رسیدگی و قضاوت در دوران اشکانیان به سان دوران هخامنشیان و دنباله روی از همان ساختار و ویژگی‌های گذشته می‌باشد؛ قوانین و مجازات جادوگری نیز به مشابه دوران هخامنشیان برگرفته از رسوم و مذاهب محلی و در ایران اصلی مطابق با دین زرتشت است.

۲-۵- ساسانیان

سلسله‌ی ساسانی، آخرین پادشاهی ایران پیش از حمله اعراب و ورود اسلام به ایران می‌باشد، که در سال ۲۲۴ تا ۶۵۱ بر ایران حکومت می‌کردند. مبانی حقوقی و اصول قضایی عصر ساسانیان نیز از کتاب اوستا، تفسیرهای آن و مجموعه فتوهای علمای زرتشتی گرفته شده است. علاوه بر کتاب اوستا مجموعه قوانین ماتیکان هزار دستان^۱ به عنوان یکی از منابع قانونی مهم آن دوره یاد می‌شود. این کتاب به خط پهلوی ساسانی نوشته شده که یکی از روحانیون آگاه به امور قضایی، با استناد به متن اوستا و تفسیر آن، جمع‌آوری و تنظیم نموده است. کتاب دستوران دیگر کتاب مانده از این دوران می‌باشد که به زبان سریانی نوشته شده و شامل نظرات مشاوران قضایی برای حل مسائل، معضلات قضایی می‌باشد (شریفیان، فکری پور، ۱۳۹۵: ۸۰). همانند دوره‌ی هخامنشیان شاه در راس همه قضات کشور قرار داشته‌اند و پس از آن‌ها با عنایت به اینکه در آیین زرتشت وحدت دیانت و قضاوت وجود داشت، داوری را روحانیون انجام می‌دادند و قوه دادرسی و نظام قضایی به معنای اخص متعلق به این طبقه بوده است. در خصوص جرم جادوگری نیز با تسلط روحانیون مذهبی بر کرسی قضاوت و داوری و همچنین منابع قانونی که متعلق به مذهب زرتشتی بوده است، می‌توان کیفر مرگ را برای آنان پیش‌بینی نمود.

۳- جادوگری در حقوق مصر

نظام حقوقی مصر باستان متعلق به ۳۰۰۰ ق.م میلاد می‌باشد که از اصول مذهبی زمان خودش نشأت گرفته است. به نحوی که روحانیون و کاهنان در اجرای عدالت نقش بسزای داشته‌اند (امامی، ۱۳۸۰: ۶۳). دیوان عالی، و دادگاه‌های ایالتی و دادگاه‌های محلی به دعاوی مردم بسته به نوع جرم رسیدگی می‌کردند. خارجیان نیز دادگاه خاص خود را داشته‌اند. نطفه عطف این سیستم حقوقی کتبی بودن دادرسی‌ها می‌باشد. در نوشته‌های مورخین پیش از میلاد و سده اول میلادی به مانند دیودور سیلیسی^۲، هرودت^۳ و کتزیاس^۴

^۱ کتاب هزار رأی قضایی که به پارسی میانه نوشته شده و تنها سند و مدرک کامل موجود در خصوص نظام حقوقی ساسانیان است.

^۲Diodorus Siculus

^۳Herodotus

^۴Ctesias



مطالب خوبی در خصوص نظام حقوقی مصر مشاهده می‌گردد. به نحوی که ادله اثبات دعوا علاوه بر مدرک کتبی، گواهی و سوگند بوده است.

دیودور سیلیسی می‌نویسد: هشت جلد کتاب شامل تمام قوانین بود جلوی قضات گذاشته شده است. داریوش پادشاه ایران به عنوان ششمین قانون گذار مصر قوانینی را وضع کرده است که بی‌شک جزو این هشت جلد قانون محسوب می‌شود. متأسفانه امروزه این کتاب‌ها در دسترس نیستند. جرایم مهم که در مصر باستان استحقاق مرگ داشتند، شامل جرایم سیاسی، پدر کشی، قتل عمدی، بی‌حرمتی به مقدسات دینی، عهد شکنی، افترا و دروغ زنی، هتک قوانین در مورد مداوای بیماران می‌باشد و جرایمی مثل تجاوز به ناموس را جرمی ساده در نظر گرفته است. مرگ به دو صورت با شکنجه توسط آتش و صلیب یا خاکستر و مرگ ساده توسط حلق آویز کردن در نظر گرفته شده است، به نحوی که پدر کشی مرگ به وسیله آتش و برای بی‌احترامی به مقدسات مذهبی و جادوگری مرگ به وسیله دار زدن یا گردن زدن در نظر گرفته شده است. اگر چه به صورت مدون قانون نامه‌ای از آن دوران به دست ما نرسیده اما کیفر جادوگری در کتاب‌های مورخان نام برده شده اغلب مرگ ساده می‌باشد. از جمله مجازات‌های دیگر عصر باستان مصر می‌توان به بیگاری، شلاق، قطع اندام، تبعید، کیفر ترذیلی^۱، جزای نقدی، زندان، مصادره اموال را نام برد.

۴- جادوگری در یونان باستان

یونانیان باستان قانون را رسمی مقدس می‌دانستند که مورد تایید خدایان است و سرچشمه‌ی آن الهام الهی است. تمیس، در زبان آن‌ها بر این رسوم اطلاق می‌شد، و هم نام الهه‌ای بود که نظم اخلاقی و هماهنگی جهان را منسجم می‌ساخت. به نوعی قانون نامه‌های باستانی معابد با آداب و مقررات دینی آمیخته بوده، که در مرحله بعدی تاریخ جمع آوری و تنظیم شده است. از جمله این قانون گذاران می‌توان به زائوکوس، خارونداس، دارکون و سولومن اشاره نمود.

در این قانون نامه‌ها قانون از قلمرو دین آزاد شد و روز به روز دنیوی تر گشت، قصد و نیت افراد در زمان ارتکاب جرم و مسولیت فردی به جای مسولیت خانوادگی ایجاد گردید. قانون نامه‌هایی مثل دارکون و سولومن مجازات‌های سخت و سنگینی برای جرایم در نظر گرفتند، تا جایی که برای سرقت مجازات مرگ و چون مجازات شدیدتری برای قتل وجود نداشت به مجازات مرگ اکتفا شد. در سنت یونان باستان هیچ قانون خاصی علیه جادو وجود نداشته است، با این حال جادوگران را می‌توان به جادو متهم کرد و محاکمه

^۱ بی‌حیثیت کردن که حتی از مرگ هم شدیدتر بوده و به طور مثال برای سربازان فراری از جنگ استفاده می‌شد.



نمود، اما این موارد معمولاً بر اساس قوانین بی‌ایمانی (بی‌تقوایی یا اهانت به مقدسات) یا مربوط به قوانین موضوعه بود و نه بر اساس قوانین خاصی در مورد جادوگری (Dreher، ۱۱۱۱: ۲).

۵- جادوگری در روم باستان

نوشتن قوانین و مقررات بر روی الواح دوازده گانه در روم باستان را می‌توان از حوادث مهم آن دوره شناخت. الواح دوازده گانه از جنس برنز می‌باشند که توسط ۱۰ نفر از قضات که عشره و دسمویر نامیده می‌شدند تدوین شد. تا قبل از این قانون چیزی جز عادات قبیله‌ای، رسوم و اوامور کشیشان وجود نداشت. این الواح به نوعی انقلاب در تاریخ و تمدن و فرهنگ روم باستان به حساب می‌آیند. استفاده از این قانون نامه از ۴۵۴ ق.م شروع و تا ۹۰۰ سال ادامه داشته است اگر چه با حمله سلسله گال^۱ و تسخیر روم در سال ۳۹۰ ق.م به کلی نابود شدند و هیچ نسخه‌ای از آن باقی نماند. آن چه توسط محققان مورد بازسازی قرار گرفته در نسخه های باز سازی شده مورد اختلاف می‌باشد.

یکی از شدیدترین مجموعه‌های قانونی در طول تاریخ محسوب می‌شود. از ویژگی‌های جالب این قانون سلطه‌ی بی حد و حصر پدر بر فرزندان می‌باشد. به طوری که پدر علاوه بر خرید و فروش و زندانی کردن فرزند اجازه قتل آن‌ها را نیز داشت. از جمله قوانین جالب توجه دیگر می‌توان به این موارد اشاره نمود: اگر سارق حین سرقت دستگیر می‌شد برده صاحب مال می‌شد، یا حق به قتل رساندن بدهکاری که توان پرداخت بدهی خود را نداشت توسط طلب کار، و اگر طلب کاران از یک نفر بیشتر می‌شد می‌توانستند بعد از ۶۰ روز بدن او را قطعه قطعه کنند. مجازات‌های جریمه نقدی، استرتاق (به بردگی گرفتن)، علاوه بر قصاص و قتل در این قانون نامه پیش بینی شده است. با وجود حکم به اعدام در بسیاری از موارد، این حکم به ندرت اتفاق می‌افتاد و اغلب با استفاده از حق استیناف برای محکومین که به آن‌ها اجازه خروج از روم به جای اعدام را می‌داد، از شهر خارج می‌شدند.

در خصوص جادوگری نیز در الواح دوازده گانه در ۲ ماده به آن اشاره شده است. نخست در لوح شماره هفت و ماده سه که عنوان می‌دارد: "هنگامی که از طریق طلسم و جادو از رشد غلات یا محصولات جلوگیری شود، مجرم باید قربانی سررس (الهه ی زراعت) شود" (شرکت EURid، ۲۰۱۳). در این ماده مجازات مرگ برای جادوگری از نوع خاص در نظر گرفته شده است که البته به دلیل اعتقادات دینی و رفع طلسم نمی‌تواند از استیناف گفته شده استفاده و از شهر خارج شود و در هر صورت قربانی الهه ی زراعت

^۱Twelve tables

^۲Gallic Empire



خواهد شد. ماده‌ی دیگر در لوح شماره هفت ماده ۱۴ می‌باشد، که عنوان می‌دارد، مسمومیت دیگری یا بیمار کردن او یا بی حال کردن یا استفاده از جادو یا هنرهای شیطانی یک جرم مستوجب اعدام است و مجازاتش مرگ است. این جرم در حقوق روم باستان، در صورت ضد اجتماعی یا بر علیه جامعه بودن دارای کیفر بوده است (Pharr, ۲۰۲۲: ۹۹۹).

۶- جادوگری در حقوق کیفری یهود:

یهودیان باستان، شامل اسرائیل و یهودا، مربوط به ۹۰۰ ق.م می‌باشد. منابع حقوقی کیفری آن‌ها شامل کتاب عهد عتیق (به طور مشخص تورات) و تلمود (میشنا و گمارا) است. نظام حقوقی تلمود بر اساس برداشت‌های دانشمندان یهودی از کتاب تورات تدوین شده است، که شامل میشنا تعلیمات شفاهی همراه با تکرار و گمارا به معنای تکمیل و در واقع تفسیر میشنا می‌باشد. نظام حقوقی تورات بیش از ۱۰۰۰ سال قبل تدوین تلمود بر موسی (ع) پیامبر الهی نازل شده و تلمود میشنا (تورات شفاهی) متعلق به سال ۲۰۰ میلادی و گمارا ۵۰۰ میلادی می‌باشد. محاکم رسیدگی در یهود شامل، دادگاه سنهیدرن کبیر، سنهیدرن کوچک و دادگاه های مدنی می‌باشد. دادگاه سنهیدرن کبیر به جرایم مهمه و به عبارتی صلاحیت خاص داشته و در شهر اورشلیم و در معبد سلیمان با ۷۱ قاضی تشکیل می‌شود، سنهیدرن کوچک صلاحیت عام کیفری و با ۳ قاضی در هر شهر و دادگاه‌های مدنی مسئول رسیدگی به امور مالی و جرایم مالی را داشته‌اند. ادله اثبات جرم اصولاً شهادت و در امور مالی اقرار هم پذیرفته شده بود. نکات قابل تامل در حقوق کیفری یهود، عدم تغییر رای برائت در دادگاه تجدید نظر، تفسیر مضیق، توجه به عنصر معنوی و علل موجه جرم و توجه به عوامل رافع مسئولیت می‌باشد (حاج اسماعیلی، کمالوند، ۱۳۹۲: ۴۷).

با وجود جرم انگاری رفتار و تعیین مجازات برای آن، رفتاری را شایسته محاکمه می‌دانستند که صراحتاً منع شده باشد، و صرف تعیین مجازات را کافی نمی‌دانستند. با این تفاسیر به بررسی جرم جادوگری در یهود باستان می‌پردازیم. به خوبی دو منظر گناه و جرم بودن جدای از هم در متون حقوق یهود مشخص می‌باشد. در مکاشفه ۲۱: ۸^۱ و مکاشفه ۲۱: ۹^۲، جرم جادوگری در کنار گناهی همچون قتل، زنا و دزدی بیان می‌شود، و از جمله گناهان بزرگ برشمرده شده است. در مکاشفه ۱۵: ۲۲^۳ با عدم اجازه ورود جادوگران به

^۱Old Testament
^۲Talmud

^۳ آخرین کتاب از کتب عهد جدید مسیحیان



شهر، به نوعی به اقدامات تامینی اشاره شده است. در سفر خروج ۲۲:۱۸ زنی که جادوگری می‌کند را شایسته مرگ معرفی می‌نماید و در لایوان ۲۰:۲۷ برای جادوگر و احضار کننده روح خواه مرد یا زن مجازات سنگسار در نظر گرفته و تایید بر آن نیز شده است (کتاب مقدس Biblica، ۲۰۰۵).

با این که تورات در آیات متعددی سحر و جادو را مورد نکوهش قرار داده است و از جادوگری به عنوان کار پلید و ناپاکی نام برده، اما در برخی سطور تحریف شده‌ی عهد عتیق گاه نشانه‌های بر پذیرش و تایید جادوگری به عنوان وسیله‌ای برای پیش‌گویی آینده و ارتباط با ارواح دیده می‌شود. البته نباید از این غافل شویم که حضرت موسی (ع) جدای از معجزات الهی، خود برای مقابله با ساحران بر جادو تسلط بالایی داشته‌اند و جادوی سفید تا پایان دوران باستان مورد احترام بوده است. توجه به سفر خروج ۱۵:۲۵ و اشعیا ۴۷:۱۳^۷ موید این موضوع می‌باشد. در تثنیه ۱۸: ۱۰-۱۲^۸ صریحاً افراد را از انجام جادوگری نهی نموده است که این در کنار مجازات‌های بیان شده در سطور دیگر نشانگر جرم بودن آن می‌باشد. رواج جادوگری و مجازات آنان تا جایی پیش می‌رود که شیمعون بن شطح - قرن اول قبل از میلاد - در یک روز هشتاد زن جادوگر را اعدام کرد. با توجه به موارد گفته شده مشاهده می‌شود که صراحتاً جادوگری در آیین یهود باستان منع شده و مجازات مرگ نیز برای آن در نظر گرفته شده است (کتاب مقدس Biblica، ۲۰۰۵).

^۱ مکاشفه ۲۱:۸ "ولی ترسوها که از پیروی من رو بر می‌گردانند و کسانی که به من ایمان ندارند، فاسدان و قاتلان و زناکاران، جادوگران و دروغگویان، و کسانی که به جای خدا، بت می‌پرستند، جای همه در دریاچه‌ای است که با آتش و گوگرد می‌سوزد. این همان مرگ دوم است."

^۲ مکاشفه ۹:۲۱ "اینان نمی‌خواستند از آدم کشی، جادوگری، زنا و دزدی دست بکشند و بسوی خدا باز گردند."

^۳ مکاشفه ۲۲:۱۵ "اما فاسدان، جادوگران، زناکاران، قاتلان، بت پرستان، دروغگویان و متقلبان، به شهر راه نخواهند یافت."

^۴ سفر خروج ۲۲:۱۸ "زنی که جادوگری کند، باید کشته شود."

^۵ لایوان ۲۰:۲۷ "احضارکننده روح یا جادوگر، چه مرد باشد چه زن، باید حتماً سنگسار شود. خون او به گردن خودش است."

^۶ سفر خروج ۱۵:۲۵ "موسی نزد خداوند دعا کرد و خداوند درختی به او نشان داد و فرمود: «این درخت را در آب ماره بینداز تا آب آن شیرین شود.» موسی چنین کرد و آب، شیرین شد. در ماره، خداوند دستوراتی به قوم اسرائیل داد تا اطاعت آن‌ها را بیازماید."

^۷ اشعیا ۴۷:۱۳ "تو مشاوران زیادی داری طالع‌بینان و ستاره‌شناسانی که می‌کوشند تو را از رویدادهای آینده آگاه سازند. آنها را فرا خوان تا به تو کمک کنند"

^۸ تثنیه ۱۸: ۱۰-۱۲ [۱۰] "مثل آنها بچه‌های خود را روی آتش قربانگاه قربانی نکنید. هیچ یک از شما نباید به جادوگری بپردازد یا غیب‌گویی و رمالی و فالگیری کند و یا ارواح مردگان را احضار نماید. خداوند از تمام کسانی که دست به چنین کارها می‌زنند متنفر است. بخاطر انجام همین کارهاست که خداوند، خدایتان این قوم‌ها را ریشه‌کن می‌کند."



۷- جادوگری در حقوق مانوی هند

این قانون نامه ابتدا به عنوان راهنمای رفتار درست طبقه براهمه مانوه تنظیم شده، اما به تدریج به صورت قانون نامه سلوک تمام جامعه هند پذیرفته شد. اگر چه شاهان مسلمان هرگز آن را به رسمیت نشناختند در داخل نظام‌های طبقاتی از مقام قدرت برخوردار بود(تردید در اجرای این قوانین توسط مردم باستان هند وجود دارد و عده‌ای آن را فقط دستورالعمل اخلاقی می‌دانند). اساس آن مبتنی بر اوردالی، اجرای شدید مجازات قصاص، حقوق و قدرت‌های طبقه براهمه بود. قانون نامه مرکب از ۲۶۸۵ سطر می‌باشد که به زبان سانسکریت بود و تاریخ آن مورد اختلاف است. سابقاً آن را متعلق به ۱۲۰۰ ق.م می‌دانستند اما اکنون دلایلی بدست آمده که آن را از نخستین قرون مسیحیت می‌دانند.

در فصل ۱۱ ماده ۱۹۸ آن این گونه بیان شده است، کسی که برای وراثت یا قربانی کرده است یا پیامد های غریبه‌ها را انجام داده است، یا یک قربانی جادویی (با هدف از بین بردن زندگی) یا یک قربانی اهینا(گناه خود) را توسط سه کریکخرا(توبه) بر طرف می‌کند. این ماده اخلاقی بودن این قانون نامه و عدم اجرای آن به عنوان قانون نامه‌ای در نظام حقوقی آن زمان تقویت می‌نماید (Buhler، ۱۱۱۱: ۹۹۹).

اما در فصل ۹ ماده ۲۹۰ جریمه نقدی برای انجام جادوگری لحاظ گردیده است. این جریمه نقدی موید دو موضوع می‌باشد، نخست عدم کیفر مرگ یا اوردالی برای جادوگر و دوماً قابلیت اجرای آن در نظام حقوقی هند باستان به عنوان یک قانون نامه. متن این ماده به شرح ذیل می‌باشد:

"برای همه طلسم‌ها که قصد نابودی زندگی دارند، برای آیین‌های جادویی با ریشه(توسط اشخاص انجام می‌شوند) مرتبط نیست(با کسانی که علیه او هدایت می‌شوند) و برای انواع جادوگری دویست(پاناس) جریمه نقدی در نظر گرفته می‌شود. (Buhler، ۲۰۰۱: ۱۶۱).



نتیجه‌گیری:

اصولاً در دوران باستان جادوگری را از جمله جرم‌های علیه امنیت و علیه پادشاه انگاشته و به نوعی قدرت و توانایی ماورای پادشاه را به چالش کشیده و در صورتی که یاری دهنده و همراه پادشاه باشد، جادوی سفید و جادوگر از افراد دربار به حساب آمده و در غیر از این صورت جادوی سیاه و به موجب این موضوع معمولاً شدیدترین مجازات‌ها برای جادوگران لحاظ می‌گردید. اصل بر مجرمیت و وجود اوردالی برای اثبات بی‌گناهی خود موید این موضوع می‌باشد.

آنچه از بررسی‌های جرم جادوگری در دوران باستان بدست آمد، همانا وجود کیفر مرگ برای این رفتار می‌باشد. عدم انعکاس جرم جادوگری در برخی از قانون‌نامه‌های عهد باستان نظیر لیبیت ایشتار به خاطر بدیهی بودن مجازات در عرف و عادت آن زمان، و وجود ماده‌های کیس به کیس برای جرایمی است، که در جامعه به وقوع پیوسته و نیاز به اطلاع رسانی آن احساس گردیده و عملاً آنچه از بدیهیات آن دوران بوده در آن قید نشده است. جرم انگاری جادوگری به شکلی خاص از جمله افترای به جادوگری در قانون‌نامه‌های هم عصر و قبل و بعد این قانون‌نامه‌ها و وحدت گرفتن از آن‌ها، خود موید این موضوع می‌باشد.

در ایران باستان به دلیل تسلط زرتشت و موبدان مذهبی در امور قضایی، قضات بر اساس این دین و آموزه‌های دینی زرتشت صورت گرفته و مجازات مرگ در انتظار جادوگران بوده است. آنچه از مورخان باستانی مصر بدست آمده، جرم جادوگری مستوجب کیفر مرگ می‌باشد. در یونان به صورت مستقل جرم انگاری نشده، اما جادوگران به واسطه اعمال خود که به نوعی نشانه بی‌ایمانی، بی‌تقوایی و اهانت به مقدسات عنوان می‌شده به مجازات مرگ محکوم می‌شدند. توجه به الواح ۱۲ گانه در روم باستان نیز مجازات جادوگری مرگ بوده است. در آیین یهود باستان توجه به مواد مختلف آمده در کتاب‌های این دوران نشان از کیفر مرگ برای جادوگر می‌دهد، به نحوی که به عنوان گناهی منع شده و مجازات نیز برای آن لحاظ شده است. در نهایت مانوی هند علی‌رغم عدم اطمینان در اجرای این قانون‌نامه، جرم جادوگری مستوجب جریمه نقدی می‌باشد، این موضوع نوید عدم سخت‌گیری در خصوص جرم جادوگری در هند باستان را می‌دهد، تاثیر این گونه جرم انگاری در هند باستان در زمان حال قابل مشاهده است.



فهرست منابع:

الف) منابع فارسی

- ازدجینی، آذین (۱۳۹۵)، جرم در بین‌النهرین باستان، همایش بین‌المللی شرق‌شناسی، فردوسی و فرهنگ و ادب پارسی، دوره ۱.
- امامی، محمود (۱۳۸۰)، نظام حقوق کیفری در مصر باستان، پژوهشنامه علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه مازندران، سال اول، شماره ۲.
- بادامچی، حسین (۱۳۹۲)، قانون حمورابی ترجمه متن اکدی به فارسی، چ ۱، نشر نگاه معاصر.
- بهرامی احمدی، حمید (۱۳۹۵)، تاریخ حقوق، جلد اول، چ ۱، انتشارات دانشگاه امام صادق.
- بهزادی، رقیه (۱۳۷۸)، قوانین بر سنگ نوشته هیتی‌ها، مجله حقوقی دادگستری، دوره ۶۳، شماره ۲۶.
- حاج اسماعیلی، محمدرضا؛ کمالوند، پیمان (۱۳۹۲)، بررسی تطبیقی اصول قوانین کیفری و جزایی در آیین اسلام و یهود، دو فصلنامه الهیات تطبیقی، سال چهارم، شماره نهم.
- حیدری، حسین؛ خاکسار آرانی، جنت (۱۳۹۳)، مطالعه تطبیقی مقررات عبرانی و حمورابی، فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، سال سوم، شماره هشتم.
- راشد محصل، محمدتقی (۱۳۸۵)، زند بهمن یسن، چ ۲، انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- راشد محصل، محمدتقی (۱۳۸۵)، وزیدگیهای زادسپرم، چ ۲، انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- رضایی باغ‌بیدی، حسن (۱۳۸۴)، روایت آذرفرنبغ فرخزادان، چ ۱، انتشارات مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی.
- شریفیان، فریبا؛ فکری پور، کتایون (۱۳۹۵)، نظام دادرسی و کیفرشناختی ساسانیان، فصلنامه کارآگاه، سال نهم، شماره ۳۶.
- صبوری پور، مهدی (۱۴۰۰)، تقریرات درس تاریخ حقوق کیفری. دانشگاه شهید بهشتی.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین؛ بادامچی حسین (۱۳۸۳)، تاریخ حقوق کیفری بین‌النهرین، چ ۱، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.



منابع لاتین

- Buhler G. (۱۱۱۱). **The Laws of Manu** ,Sacred Books of the East Vol. 25, English and Hindi Edition, Motilal Banarsidass.
- Dreher M. (2011). **Law, Religion, and Magic in Ancient Greece**, A conference in honor of Michael Gagarin on his retirement, Waggener Hall, Room 116, The University of Texas at Austin.
- Martha T. Roth (1997). **Law Collections from Mesopotamia and Asia Minor**, volume 6, scholars press Atlanta, Georgia
- Miregki P, Meyer M (2002). **Magic and ritual in the ancient world**, Brill Leiden Boston Kolnu
- Pharr, C. (1932). **The Interdiction of Magic in Roman Law**. Transactions and Proceedings of the American Philological Association, 63, 269-255.

